

تحلیل و بررسی فیلم «بازی مرکب» با رویکرد جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

کد مقاله: ۶۰۶۵۲

رقیه شوری بریس^۱

چکیده

فیلم سینمایی "بازی مرکب" ساخته هوانگ دونگ-هیوگ، درباره گروهی از فقرا است که زندگی‌شان را در جهنم سرمایه‌داری از دست داده‌اند و برای تصاحب یک جایزه نقدی وسوسه‌انگیز، در قبال از دست دادن زندگی‌شان؛ تن به شرکت در بازی کودکانه با قوانین بسیار ساده داده‌اند، این فیلم اکشن و درام به وضعیت اقتصادی و شکاف طبقاتی موجود در جامعه چین پرداخته است. از این نظر هدف از ارائه این مقاله، واکاوی فیلم بازی مرکب با کمک یکی از علوم اجتماعی که به بررسی جامعه، رفتار اجتماعی، الگوهای مناسب اجتماعی، قشر بندی اجتماعی، طبقه بندی اجتماعی، تحرک اجتماعی، سکولار سازی، جامعه‌شناسی حقوقی با عطف به رویکرد جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز می‌پردازد. در این راستا، ضمن بیان خلاصه‌ای از فیلم بازی مرکب و بررسی جامعه‌شناسی آن، به سوال اصلی که هدف کارگردان از پرداختن به قشر ضعیف جامعه چه بوده است؟ آیا هدف او بیان مشکلات موجود و تبعیض طبقاتی بوده و یا او از این فرصت استفاده کرده است و به بیان سیاستی تلخ «جنایت علیه بشریت» پرداخته است؟ نیز پاسخ داده می‌شود. بر این اساس روش تحقیق این پژوهش تحلیلی توصیفی خواهد بود. حاصل تحلیل و بررسی از دریچه فیلم و سینما دست یافتن به اندیشه و دید عمیق اجتماعی است.

واژگان کلیدی: بازی مرکب، شکاف طبقاتی، جامعه‌شناسی، جنایت علیه بشری

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کارگردانی، دانشگاه کمال‌الملک نوشهر، ایران.

در این پژوهش به واکاوی یک فیلم سینمایی با عنوان بازی مرکب مبادرت می‌شود، بازی در زمان و مکان نامعلوم رخ می‌دهد با شخصیت و هویت‌های مشخص؛ آنها ابتدا به یک مسابقه دعوت می‌شوند ولی بعد از مدت کوتاهی متوجه رقابت وحشتناکی می‌شوند که تصمیم می‌گیرند از این رقابت خارج شوند و به ادامه این بازی خطرناک که به نوعی خودکشی تلقی می‌شود تن در ندهند، این افراد با وجود تمام مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه بودند، خواستار ادامه زندگی هستند آنها تلاش می‌کنند با مشکلات مقابله کنند و برای رسیدن به اهداف خود، استراتژی‌های مختلفی را امتحان کنند، با وجود شکست‌های زیادی که در زندگی داشته‌اند روحیه خود را از دست ندهند، تلاش می‌کنند زنده بمانند و به زندگی ادامه دهند، اما بعد از اینکه، از حل مشکلات زندگی خود ناامید می‌شوند؛ آنها که می‌دانند در نهایت زندگی به مرگ ختم خواهد شد و مرگ را به عنوان یک فرآیند اجتماعی پذیرفته‌اند تصمیم می‌گیرند با این مسابقه به زندگی خود خاتمه دهند. وقایع فیلم حالتی کابوس گونه و سورئال دارد این فیلم ساخته هوانگ دونگ-هیوگ ۵۰ ساله‌ای است که بر روی گروهی از افراد بسیار بدهکار و بی‌پول تمرکز دارد افرادی که دچار مشکلات اقتصادی و اجتماعی شده‌اند و در زندگی خود به آخر خط رسیده‌اند. این مقاله درصدد است که با کمک از علم جامعه شناسی به بررسی مشکلات اجتماعی بپردازد. نگارنده بر این باور است که تعمیم نظریه جامعه شناسی آنتونی گیدنز در این شناخت و کاربست موثر خواهد بود. درجهت نیل به اهداف پژوهش، این جستار در دو بخش صورت گرفته، بخش اول بحث و بررسی فیلم بازی مرکب و بخش دوم تحلیل و بررسی فیلم بازی مرکب بر اساس جامعه شناسی آنتونی گیدنز تا بتوان از دیدگاه کلی تر و وسیع تری به مشکلات موجود در جامعه پرداخت و در انتها از نتایج به دست آمده در این دو بخش نتیجه‌گیری حاصل می‌شود.

۲- روش پژوهش

در این مطالعه، برای بررسی در فیلم سینمایی بازی مرکب با تکیه بر نظریه جامعه شناسی گیدنز، از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار استفاده شده است با این اصل که روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار که مبتنی بر نظریه است برای دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب مناسب به نظر می‌رسد.

داده‌های کیفی غیر عددی و بدون ساختار هستند، داده‌های کیفی به طور کلی به داده‌های متنی، یادداشت‌های موردی یا نظرات رسانه‌های اجتماعی اشاره دارد، در مقایسه با داده‌های کمی که اطلاعات ساختار یافته را جمع‌آوری می‌کنند، داده‌های کیفی معمولاً ساختاری ندارند و عمق و وسعت بیشتری دارند و می‌توانند به سوالات ما پاسخ دهند و به فرموله کردن فرضیه‌ها و ایجاد درک بیشتر ما از پدیده‌ها کمک کند.

پرسش‌های تحقیق. برگزیدن نمونه مورد نظر که، یک اثر نمایشی است. مشخص کردن رویکرد نظری که در اینجا نظریه آنتونی گیدنز بر بررسی جامعه‌شناسانه و رفتارهای اجتماعی، به نارسائی‌های بسیار گسترده و عمیق مطرح شده در فیلم می‌پردازد؛ تلاش برای فهم جامعه به صورت دقیق تر و استفاده از مدل‌های علمی تر برای بیان واقعیات اجتماعی می‌باشد. هدف اصلی بررسی مشکلات اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی موجود از منظر گیدنز است. تحلیل فیلم نیز با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار صورت می‌گیرد. در مرحله اول برای یادآوری و آشنایی بیشتر خلاصه‌ای از فصل اول (قسمت اول و دوم) مجموعه تلویزیونی بازی مرکب بیان می‌شود. در مرحله دوم تحلیل و جامعه شناختی اثر از منظر جامعه‌شناختی گیدنز بررسی می‌شود. در نهایت با کنار هم گذاشتن مشکلات و بحران‌های اجتماعی موجود جامعه معاصر و شخصیت گی‌هون نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

۳- پیشینه تحقیق

ابوالفضل احمدی نیا (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان تجزیه و تحلیل "مادر کوراژ و فرزندانش" اثر برتولت برشت از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناختی در این پژوهش از عبارات فنی تئوری جامعه‌شناسی و روان‌شناختی استفاده شده است. تئوری جامعه‌شناسی روان‌شناختی به رفتار شخص در اجتماع می‌پردازد. موضوع اساسی در این تئوری این است که چگونه رفتار شخص و حالات درونی او تحت تاثیر مسائل اجتماعی قرار می‌گیرد.

محمد حاصل دوست (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی داستان‌های محمد مسعود به بررسی ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن با ساختار و تحولات اجتماعی که اثر مولود آن است، می‌پردازد. محمد مسعود از نویسندگان روشنفکر دوره‌ی رضا شاه است که بیشتر نظر به اصلاح جامعه داشته و تغییر اوضاع زندگی جوانان را خواستار بوده است. داستان‌های مسعود از نظر اندیشه و دید عمیق اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در میان آثار داستانی آن دوره دارد.

سمیه روانشادینا (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان شهر تهران در آثار سینمایی دهه‌ی ۴۰ از منظر جامعه‌شناسی سینما با تاکید بر فیلم خشت و آینه، شهر تهران از منظر جامعه‌شناسی سینما در آثار سینمای دهه‌ی ۴۰ تحلیل می‌شود و دگرگونی‌های شهر و دگرگونی‌های رفتارها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی و شهری، چگونگی گذار انسان از سنت به مدرنیته، به روش نشانه‌شناسی سوسور باز خوانی و تحلیل می‌شود.

اعظم راودراد، ساحل فرشایف (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان مرگ و جامعه: تحلیل آثار بهمن فرمان آرا از منظر جامعه‌شناسی سینما، مسئله مورد نظر در مقاله حاضر نشان دادن این مطلب است که بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و سینما، می‌توان برای شناخت بهتر جامعه و گروه‌های اجتماعی آن، از تحلیل آثار هنری و سینمایی استفاده کرد. فیلم‌ها نشان دهنده تفکر ویژه گروه‌های اجتماعی خاص در مورد جامعه هستند. بنابراین می‌توان با مطالعه آن‌ها به شناختی نسبتاً عمیق از وضعیت این گروه‌ها در جامعه و نیز تحلیلی که آن‌ها از شرایط اجتماعی موجود دارند رسید.

۴- مبانی نظری

چارچوب نظری پایه‌ای است که تمام طرح و پروژه مطالعاتی بر روی آن قرار داده می‌شود، معمولاً چارچوب نظری بر اساس نظریه‌های صاحب نظران (مبانی نظری)، کارهای مطالعاتی پیشین و دانش و تجربه محقق تنظیم می‌شود.

پژوهشگر حیطه موضوعی پژوهش را محدود به یک رویکرد خاص در باب موضوع پژوهش می‌کند. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس و نویسنده‌ی نام‌آشنای انگلیس و از اعضای مجلس اعیان بریتانیاست که مطالعات اجتماعی‌اش را در قالب کتاب‌های ارزشمندی نظیر «پیامدهای مدرنیته» به نگارش درآورده است. او همچنین سابقه تدریس در رشته‌ی روان‌شناسی اجتماعی دانشگاه لستر لندن را دارد و عمدتاً به واسطه‌ی رویکرد ساختارگرایانه‌ی خود به جوامع مدرن، شناخته می‌شود. این مقاله با استفاده از ساختارگرایی آنتونی گیدنز به پویایی اجتماعی، ساختارها و کنش‌های اجتماعی معطوف می‌گردد. گیدنز بر این باور است که هر کنش اجتماعی، از ساختار مشخصی برخوردار است و از طرف دیگر ساختارها هم متکی بر کنش‌ها هستند. بنابراین نمی‌توان آن‌ها را مجزا از یکدیگر تلقی کرد. بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر یکی از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه در حال افزایش است، مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نمی‌باشد، بلکه مشکلات این مساله اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که آن بستر ساز انحرافات می‌گردد.

«به دلایلی که گفته شد، پدران ما انتظار نداشتند که توسعه و رشد اقتصادی موجب برابری بیشتری در شرایط زندگی انسانها شود بلکه برعکس اعتقاد اکثر آنها بر این بود که افزایش بهره‌دهی با تغییرات اجتماعی منتج از آن، موجب فقر نسبی و حتی فقر مطلق طبقات پائین خواهد شد. به نظر آنها، یک کارگر، لااقل در صنعت، لزوماً مرد فقیری است و این دو لغت با یکدیگر مترادفند. «بولونو بارژومونت» این عقیده عام را چنین بیان می‌کند: «هر قدر تعدا کارفرمایان صنایع ثروتمند در یک کشور بیشتر باشد به همان نسبت کارگران فقیر بیشتری نیز وجود خواهند داشت» (لابن، ۱۳۵۹: ۲۱)

فقر باعث می‌شود ذهن ما درگیر مسائل کوچک زندگی و برآوردن نیازهای اولیه باشد و ما فرصت فکر کردن به مسائل دیگر را نخواهیم داشت، فقر یعنی درجا زدن، یعنی سالیان طولانی روی تردمیل دویدن، بدون هیچ رشد و پیشرفتی، یعنی عقب افتادن از زندگی، یعنی ادامه زندگی بدون پیشرفت و ترقی، یعنی تورم افسار گسیخته، فقر یعنی بیکاری، گرانی، بحران عدم خرید تولیدات کارخانه‌ها، یعنی عدم حمایت از واحدهای صنعتی و مستمری‌بگیران شاغل و بازنشسته و فقر یعنی له شدن زیر بار و هزینه‌های دولت، مجلس و حاکمیت!

«هر گاه ارزش مصرف کالاها کنار گذاشته شود فقط برای آن‌ها یک خاصیت باقی می‌ماند و آن این است که همه محصول کار هستند. ولی در این صورت، محصول کار خود نیز تغییر شکل یافته است. زیرا وقتی ما از ارزش مصرف آن صرف نظر می‌کنیم در عین حال از عوامل مادی و صوری که موجد ارزش مصرف هستند چشم پوشیده‌ایم. این دیگر میز، خانه، نخ و یا فلان شیء مفید دیگر نیست. کلیه خواص محسوس آن تحلیل رفته است. و هم‌چنین شیء مزبور دیگر محصول کار نجار، بنا، نساج یا کار مولد معین دیگر نیست» (مارکس، ۱۳۵۲: ۱۰۸).

عدم هماهنگی ارزش کار و دستمزد دریافتی کارگر، در قبال کاری که انجام داده است از جمله ساعات کاری نامتعارف، دریافت حقوق حداقلی، به تدریج روی توان خرید و ادامه زندگی او تأثیر مستقیمی خواهد گذاشت.

سرعت و شتاب تورم در کشور باعث کاهش قدرت خرید می‌شود، تورم به معنی روند افزایشی و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است.

در بخش بعد خلاصه‌ای از فیلم بازی مرکب تبیین می‌شود و به بررسی مشکلات اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی موجود با عطف به رویکرد جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز پرداخته می‌شود.

۵- بحث و بررسی فیلم بازی مرکب

سریال بازی مرکب به نوعی بازی مرگ و زندگی است، شرط بندی و قمار بر سر زندگی، کارزاری عجیب، ترسناک دلهره‌آور و گاهی غیر قابل باور است. شخصیت‌های فیلم هیچ کدام دوست ندارند به زندگی خود پایان دهند، همگی راضی به بازگشت از مسابقه می‌شوند و ترجیح می‌دهند دوباره برگردند تا شاید راهی دیگر برای رهایی از مشکلاتشان پیدا کنند، ولی آنها آنقدر در مشکلات خود غرق شده‌اند که دیگر راهی جز پایان دادن به زندگی خود ندارند.

« احتمالاً این گفته مولوی را شنیده‌اید: «در بلا بودن به از بیم بلاست». ممکن است بپرسید که منظور چیست. منظور این است که هیچ وقت در حالت تعارض، در حالت دو دلی و عدم تصمیم‌گیری باقی نمانید. به قول معروف، مرگ یک بار شیون یک بار، هر چه هست تصمیم بگیرید. سعی کنید بر سر دو راهی باقی نمانید» (گنجی، ۱۳۹۳: ۱۶).

ترس از تصمیم‌گیری باعث می‌شود ما جرات انتخاب یک گزینه را از میان گزینه‌های موجود نداشته باشیم. حال آنکه در بسیاری از موارد، گزینه درست را می‌توانیم به سادگی از میان گزینه‌های پیش رو تشخیص دهیم اما کمال طلبی و عوامل دیگر ما را به سمت توقف و تصمیم نگرفتن سوق می‌دهند.

« آیا واقعاً کسی هست که در مورد اثرات نامطلوب اینگونه صحنه‌ها شک داشته باشد؟ منتقد دیگری ضمن اعلام نمایش مجدد برنامه تلویزیونی «جیم جونز و جونزتان» آن را یک «سرگرمی بسیار قوی» می‌نامد. سرگرمی؟ آیا معنی ۹۱۳ فقره خودکشی و قتل در یکی از تکان دهنده‌ترین و وحشتناک‌ترین برنامه‌های تلویزیونی، سرگرمی است؟ آیا این برنامه فقط ممکن است کوچکترها را ناراحت سازد؟» (هریس، ۱۳۹۵: ۳۴۲).

کارگردان از سینما به عنوان رسانه‌ای پویا و قدرتمند در انتقال مفاهیم، باورها و عناصر فرهنگی، سیاسی و اخلاقی که همواره مورد توجه حکومت بوده به خوبی استفاده کرده است. او به بیان سیاست‌های اقتصادی، عدم رعایت حقوق شهروندی و نابرابری در اجرای قانون، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی، فقر و فساد باز تولید و یا به برجسته سازی یکی از مشکلات مطرح در جامعه پرداخته است.

« تراژدی زندگی برشت در این واقعیت ساده نهفته بود: او از سوی کسانی مورد احترام و ستایش قرار گرفت که اعتراف می‌کرد مورد تفرش هستند- از سوی شاعران، روشنفکران و غرب؛ در دنیایی که مدعی بود برای آن می‌نویسد، یعنی دنیای طبقه کارگر، غرب و شرق، حتی یک تماشاگر هم به دست نیاورد» (اوتز، ۱۳۹۹: ۹۱).

توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی، پرداختن به خواسته‌های مردم در فیلمها، نمایش موضوعات و مشکلات مطرح در سطح اجتماع، جسارت در بیان سینمایی، دفاع از آزادی بیان و عقیده، حمایت از فضای باز و آزاد و خروج از لانه امن، که این امر ارتباط مستقیمی با ساختار سیاسی جامعه دارد. یعنی هر اندازه دموکراسی و مؤلفه‌های آن در جامعه‌ای توسعه بیشتری پیدا کند، به طبع سینما کمتر تحت تأثیر گفتمان‌های سیاسی حاکم خواهد بود.

« نظریه تأثیر عمیق رسانه، گرایش به کنترل بیشتر مخاطبان را پدید آورده است. تنکارد و سیورین (۱۹۹۲) متذکر می‌شوند گرایش به سمت کنترل بیشتر بدان معنی است نظریه پردازان رسانه‌ها باید بیشتر روی درک انگیزه مخاطبان برای مصرف محتوای رسانه تمرکز کنند چرا که مخاطبان امروز با انتخاب‌های زیادی روبرو هستند و تأثیرگذاری بر انگیزه مخاطبان چندان ساده نیست» (دارتی، ۲۰۰۸: ۲۵، ۱۶).

انعکاس سریع و صحیح واقعیات که با استمرار ادامه می‌یابند و توجه به مسئولیت اجتماعی، داشتن اطلاعات وسیع جهت جلوگیری از تحریف و حاشیه‌های بی‌مورد اهمیت دارد. همچنین در ادامه تمرکز بر سلاقی و واکنش‌های مخاطبان با سرعت عمل بالا و ذوق و استعداد باعث نفوذی هدفمند و عمیق بر اذهان مخاطب خواهد شد.

«نخست، جامعه شناس به ما امکان می‌دهد که به دنیای اجتماعی از دیدگاه‌هایی غیر از دیدگاه خودمان بنگریم. در اغلب اوقات اگر درک درستی از چگونه‌گی زندگی دیگران داشته باشیم، به فهم بهتری از پیوستی مسائل آن‌ها نیز می‌رسیم. آن دسته از سیاست‌های عملی که مبتنی بر اطلاع و آگاهی از شیوه‌های زندگی مردم نیستند بخت ناچیزی برای موفقیت دارند. بنابراین، مددکار اجتماعی سفید پوستی که در یک اجتماع عمدتاً سیاه پوست کار می‌کند، نمی‌تواند اعتماد اعضای این اجتماع را به دست آورد مگر این که نسبت به تفاوت تجربه‌های اجتماعی جدا کننده سیاهان و سفیدان به اندازه کافی هوشیار و حساس شود» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹).

ستم به معنی نبودن عدالت یا ضد عدالت است، احساس بی‌عدالتی یک ویژگی جهانی انسان است، اگر چه شرایط دقیقی که ناعادلانه در نظر گرفته می‌شود می‌تواند از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. در حالی که حتی اعمال طبیعی نیز گاهی می‌تواند حس بی‌عدالتی را برانگیزد، این حس معمولاً در رابطه با اعمال انسانی مانند سوء استفاده، بی‌توجهی، بدرفتاری، توسط یک سیستم قانونی یا هموعان، احساس می‌شود.

«دریا، این پهنه بیکران و کاملاً سر براه، در مقابل هیچ فشاری مقاومت نشان نمی‌دهد نه حتی در مقابل وزش باد. بی‌اندازه معصوم بنظر می‌آید، رام، رفیق و حيله‌گر و دقیقاً همین مطیع بودن است که آن را به خطرناک‌ترین و وحشی‌ترین عنصر تبدیل می‌کند» (فردریک، ۱۳۹۰: ۱۸).

فساد سیاسی در ارتباط بین بازیگران سیاسی رخ می‌دهد که در فرایندهای سیاسی نقش دارند. بازیگر سیاسی که به دلیل فساد سیاسی از حق تصمیم‌گیری برخوردار شده، از قدرت سیاسی و اختیاراتش برای نقض قوانین، قواعد و همچنین معیارهای اخلاقی استفاده می‌کند.

کارگردان در این سریال سالها وقت داشته است که داستانی حساب شده طراحی کند او برای طراحی نقشه‌ی شیطانی خود باید از بطن انسانی خود خارج شده و وارد بطن شیطانی خود شود، آن را تقویت کند و سپس شروع به نوشتن کند. ممکن است او سالها مجبور به زندگی با غرایز حیوانی خود بوده و او را همراه خود داشته است، چرا که جز این نمی‌شود ادامه داد. نویسنده با نوشته خود

همراه می‌شود گاهی برای نوشته‌های خود بلند می‌گیرد و گاهی همسفر نوشته‌های خود می‌شود تا چیزی از قلم نیوفتاده باشد، او گاهی خود را با کارکنرهای مختلف جا به جا می‌کند تا حس دقیق‌تری داشته باشد.

سیاست همه چیز و از جمله انسان را با تمام شرایطش می‌بلعد و ما هم این اجازه را می‌دهیم. بنابراین دیگر چیزی به جا نمی‌ماند جز خوی وحشی انسان، تلخی و سیاه بازی صرف.

نویسنده سریال ترس از قضاوت شدن را کنار گذاشته است و با بی‌رحمی تمام نوشته است. او با نقشه‌ای که از قبل طراحی شده است تعداد زیادی از افراد را فریب داده و با وعده میلیونی آنها را به مسابقه دعوت کرده است؛ در حین مسابقه، شرکت کنندگان متوجه می‌شوند که حذف از بازی به معنای کشته شدن است. بعد از کشته شدن آنها سوخته می‌شوند تا هیچ نام و نشانی از آنها باقی نماند. مسابقه‌ای که دم از عدالت و اجرای عادلانه قوانین بازی دارد، ماهیت ناعادلانه و فریبنده دارد.

«دورکیم اذعان داشت که مطالعه وقایع اجتماعی کار دشواری است. زیرا وقایع اجتماعی نامرئی و نامحسوس‌اند و بنابراین نمی‌توان آن‌ها را مستقیماً مشاهده کرد. پس باید خواص‌شان را با تحلیل آثار و نتایج آن‌ها یا با ملاحظه تلاش‌هایی که برای ابزار و تجلی آن‌ها صورت گرفته است، مثل قوانین، متون دینی یا قواعد مکتوب برای رفتار و کردار، به صورت غیر مستقیم آشکار ساخت. دورکیم اصرار داشت که برای مطالعه وقایع اجتماعی، دست‌کشیدن از پیشداوری‌ها و تعصبات و ایدئولوژی، اهمیت زیادی دارد. روحیه و ایستار علمی مستلزم ذهنی است که پذیرای شواهد و مأخوذ از حواس باشد و از بند اندیشه‌های حاضر و آماده‌ای که از بیرون آمده‌اند، آزاد باشد. دورکیم معتقد بود که مفاهیم علمی فقط می‌توانند از فعالیت علمی حاصل شوند. او جامعه‌شناسان را به مطالعه امور همان‌گونه که واقعاً هستند، و به بر ساختن مفاهیم تازه‌ای فرا می‌خواند که بازتاب ماهیت حقیقی پدیده‌های اجتماعی باشند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۵).

منظور از وقایع اجتماعی کلیه اموری است که در جامعه وجود دارد یا روی می‌دهد و شخص آن را در خارج از خود مشاهده کرده یا از طریق حواس و هوش درک می‌نماید، پدیده‌های اجتماعی مستقل از فرد است و با پدیده‌های فردی و نفسانی (روانی) تفاوت دارد. در حقیقت پدیده‌های اجتماعی را می‌توان واقعیاتی تلقی کرد که جمعی، عینی و ملموس باشند.

کاراکتر اصلی سریال، یک مرد ۴۷ ساله‌ای است که همراه مادر پیر خود زندگی می‌کند او مدت ده سالی است که از محل کارش اخراج شده و به نزول خوار و بانک بدهکار است.

گی‌هون در زندگی مشترک خود نیز شکست خورده و مدت سه سال است که از همسر خود جدا شده و حضانت دخترش را به همسرش سپرده است.

گی‌هون از هر فرصتی استفاده می‌کند تا قمار کند و پول به دست آورد او در قمار خوش شانس است ولی در نهایت خوش شانسی بدشانسی می‌آورد؛ او در مسابقات اسب‌دوانی شرکت می‌کند و در شرط بندی برنده می‌شود ولی پولی را که از قمار به دست آورده است به سرقت می‌رود.

«اولاً، همیشه میان گذشته و آینده ارتباط برقرار است؛ یعنی آینده از گذشته گسسته نیست، پدیده‌های جهان مجموع امور منفصل و جدا از یکدیگر نیستند. ثانیاً، هر گذشته‌ای با هر آینده‌ای ارتباط ندارد، بلکه گذشته خاص فقط با آینده خاص، و آینده خاص با گذشته خاص پیوند دارد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۳۲).

این مجموعه نمایشی نشان می‌دهد که زندگی ما مجموعه‌ای از بازی‌های بی‌رحمانه است که در آن برای زنده ماندن تلاش می‌کنیم، بازیکنانی از طبقه‌های اجتماعی مختلف جامعه، از جمله معتاد به قمار، سرپرست تیم سرمایه گذاری در یک شرکت اوراق بهادار، یک مرد مسن، یک پزشک، یک کشیش، کارگر خارجی، هنگام انجام بازی آنها مجبور خواهند شد برای زنده ماندن، دیگران را فریب دهند، خیانت کنند، با تماشای بازی متوجه خواهید شد که این درام به طرز جالبی مشکلات ذاتی جامعه را منعکس می‌کند. در این بخش خلاصه‌ای از فیلم بازی مرکب بیان شد، و به مشکلات اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی و یا برجسته سازی مشکلات پرداخته شد، در بخش دوم به بررسی فیلم بازی مرکب از منظر علم جامعه‌شناسی پرداخته خواهد شد. برخی از این نظریه‌های گیدنز عبارت از، فقر، رفاه و طرد اجتماعی، طبقه، قشر بندی و نابرابری، حکومت و سیاست است که به آن پرداخته خواهد شد.

۶- تحلیل و جامعه‌شناختی اثر با تکیه بر نظریه آنتونی گیدنز

۶-۱- فقر، رفاه و طرد اجتماعی

امروز مهم‌ترین مسأله‌ای که در حال حاضر کشورهای جهان با آن مواجه‌اند بحران بیکاری است، معضلی بزرگ برای جوامع، که به همراه خود پیامدهای ناخوشایندی را برای خانواده و فرد بیکار می‌آورد، مشکلاتی از قبیل فقر اقتصادی، مشکلات روحی و روانی، افت ارتباطات خانوادگی، مشاخره، خلاف‌کاری و عدم توجه به بنیان‌های خانواده، اینها همه مشکلاتی است که فرد بیکار و خانواده او با آن دست به گریبان هستند.

کارگردان در فیلم خود آشکارا به مسائل اجتماعی اشاره می‌کند، او سعی دارد در این فیلم همه مسائل و بحران‌های اجتماعی جامعه معاصرش را نشان دهد.

« نکته مهم در نظریه گلدمن این است که چنانچه این افراد استثنایی هنرمند هم باشند، عملاً هنگام آفرینش آثار هنری، جهان‌بینی گروه اجتماعی مربوطه را باز تولید می‌کنند. به عبارت دیگر هر هنرمندی نمی‌تواند تصویری منسجم از جهان‌بینی معاصر خود را در اثر هنری منعکس کند، بلکه تنها یک فرد استثنایی قادر به این کار است» (راودراد، فرشایف، ۱۳۸۷: ۳۵).

زنان میانسال تحت تأثیر مشکلات، بیشترین قربانیان آسیب‌های اجتماعی هستند. آنها با بروز هر گونه اتفاق و دگرگونی در زندگی با مشکلات و نارسایی مواجه شده، یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارند، نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی انکار نشدنی است و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌شود. گاهی زنان میانسال مجبور خواهند شد که برای خرج زندگی حتی در سن پیری و میانسالی سخت کار کنند و واهمه‌ای به خود راه ندهند آنها شاید توانایی کار کردن هم نداشته باشند، گاهی حضور افراد مسن برای کار کردن موجب تعجب شما خواهد شد، افراد میانسال به علت مشکلات اقتصادی و نیز تورم موجود، مجبور خواهند شد کار کنند و کسب درآمد داشته باشند.

«به هر حال، انسان عاقلی که ذهنش با شبهات سوفیستها و شکاکان و ایدئالیستها آلوده نشده باشد نه تنها وجود خودش و وجود قوای ادراکی و صورتها و مفاهیم ذهنی و افعال و انفعالات روانی خودش را می‌پذیرد بلکه به وجود انسانهای دیگر و جهان خارجی هم اعتقاد یقینی دارد و از این روی هنگامی که گرسنه می‌شود به خوردن غذای خارجی می‌پردازد و وقتی احساس سرما یا سرما می‌کند در مقام استفاده از اشیاء خارجی برمی‌آید و موقعی که با دشمنی روبرو شود یا خطر دیگری را احساس کند به فکر دفاع و چاره‌جویی می‌افتد و اگر بتواند به مبارزه برمی‌خیزد و گرنه فرار را بر قرار، ترجیح می‌دهد و نیز هنگامی که احساس دوستی می‌کند درصدد انس گرفتن با دوست خارجی برمی‌آید و با او روابط دوستانه، برقرار می‌نماید، و همچنین در سایر امور زندگی و گمان نمی‌رود که سوفیستها و ایدئالیستها هم جز این رفتاری داشته بودند و گرنه زندگی آنان دیری نمی‌پایید و یا از گرسنگی و تشنگی می‌مردند و یا دچار آفت و سانحه دیگری می‌شدند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

انسان همیشه به دنبال راهی برای ارضای نیازهای اساسی خود می‌باشد با وجود کهولت سن و عدم توانایی جسمی گاهی مجبور خواهد شد برخلاف میل باطنی عمل کند و نیازهای روزمره خود را تهیه کند. فشار کاری زمانی رخ می‌دهد که مسئولیت‌های یک شغل بیشتر از توانایی فرد باشد، کار بیش از حد مشکلات جسمی فراوانی ایجاد می‌کند در سکانسی از فیلم بازی مرکب، گی‌هون از اینکه مادرش، در سن پیری مجبور است همچنان کار کند عصبانی می‌شود و با صدای بلندی به مادرش می‌گوید:

«ای بابا چقدر کار می‌کنی، یه خورده بشین مگه چقدر پول می‌دن کمرت داره از وسط می‌شکنه»
دیالوگی تلخ و گویای شرایط موجود، این دیالوگ بسیار کوتاه است، اما در حین کوتاه بودن بیانگر تراژدی تلخی است که واقعیت امروز خیلی از افراد پیر و میانسال در جوامع مختلف است، که باید تا سالهای پایانی عمر خود سخت کار کنند و درآمد ناچیز داشته باشند!

تصویب قوانینی که بر خلاف منافع کارگران است آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متوجه این قشر خواهد کرد، دریافت حقوقی که مطابق با نرخ تورم نیست! تصویب قانون افزایش سن بازنشستگی تصمیمی ناعادلانه است که آسیب زیادی به قشر کارگر و ضعیف جامعه وارد خواهد کرد.

«خود دولت، اغلب دولت‌ها، نه فقط مال ما، سوپر ستاره تمام آب‌ریشعورهاست. سرچشمه بی‌پایان مرکزی که تمام فعالیت‌های جانبی را تغذیه می‌کند. این طور می‌شود که مأموریتش را فراموش می‌کند و جذب جنگ‌های زاد بومی، تهدید مداوم شهروندان و آزارهای بی‌رحمانه آن‌ها می‌شود» (کرمنت، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

گی‌هون با فریاد به مادرش گوشزد می‌کند که اکنون زمان استراحت او فرا رسیده و چند صباحی از عمر او باقی نمانده است، دوران جوانی و میانسالی او به پایان رسیده است ولی مادر گوش شنوایی ندارد.

گی‌هون اشاره‌ای به کار سخت مادر و دستمزد کم او دارد، دلش برای مادر می‌سوزد؛ کمر خمیده مادر حکایت از کار سنگین و مداومی است که جوانی و شادابی را از چهره او ربوده است.

« پس دنیاهاى دراماتیک از طریق اشخاص، کنش‌ها و گفته‌هایی که این دنیاها را می‌سازد، مشخص می‌شوند و نه از طریق شرح و توصیف‌های بیرونی. این اصل را شاید بتوان اصل بازتابی بودن دنیای دراماتیک (WD) دانست، زیرا اشخاص آن و خصوصیات و اعمالشان خود توصیف خودند. تماشاگر ساختار و شکل آن جهان را با واقعاً تماشا کردن آن در می‌یابد، و به این ترتیب دنیای دراماتیک خود، خودش را تعریف می‌کند و نه آن که از بیرون و توسط شخص ثالث ایجاد شود» (الام، ۱۳۸۲: ۱۴۰).

داستان، ابزاری است که تجربه‌ها، احساسات و پیام‌ها را به شکلی منسجم به مخاطب منتقل می‌کند. داستان‌ها از وقایع، شخصیت‌ها و مکان‌ها تشکیل شده‌اند و می‌توانند در قالب‌های متعددی مانند فیلم، رمان و حتی هنرهای تجسمی به نمایش درآیند. هدف اصلی داستان انتقال معنا و ایجاد ارتباط احساسی یا فکری با مخاطب است.

زمانی که شما در خانواده زندگی می‌کنید از امتیازات موجود در خانواده استفاده خواهید کرد و هر زمانی که خانواده شما دچار بحران شود تمام تلاش خود را برای حل بحران به کار خواهید برد، ولی گاهی خانواده با وجود امتیازات بسیار زیادی که دارد تمایلی به اشتراک گذاری این امتیازات ندارد و یا گاهی ترجیح خواهد داد این امتیاز بین یک یا دو نفر از اعضای خانواده تقسیم شود و شما به عنوان نفر سوم به نوعی از خانواده کوچک خود طرد شده‌اید.

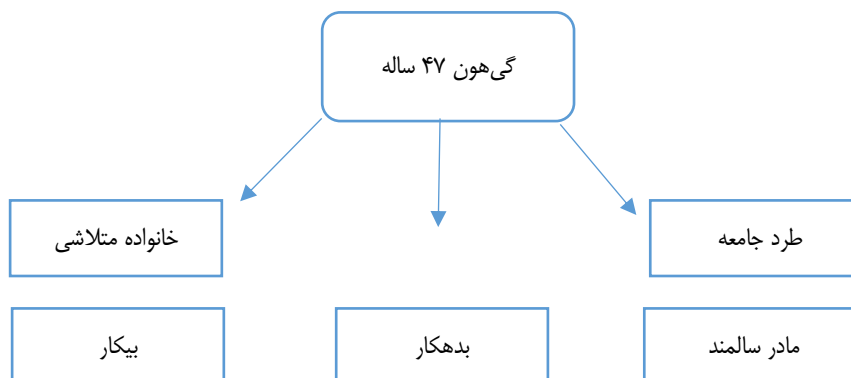
گروهی به واسطه مذهب و به حکم اقتصاد و حاشیه نشینی از متن جامعه حذف می‌شوند و به حاشیه می‌روند و به نوعی از زیست جامعه طرد می‌شوند.

این موضوع ممکن است در جوامع مختلف به واسطه مسائل مختلف رخ دهد اما چه بر سر جامعه‌ای می‌آید که در آن «طرد اجتماعی» پررنگ شده باشد و دایره مورد قبول و در متن کوچکتر و به حاشیه رانندگان و مطرودان بیشتر شده باشند؟ چه بر سر فردی خواهد آمد که دچار طرد شده است؟

احساس طرد شدگی است که فرد را دچار مسائل و مشکلات می‌کند، وقتی کسی چنین حسی می‌کند انواع و اقسام اختلالات روانی سراغ او خواهد آمد. مهمترین اختلالاتی که سراغ فردی که دچار طرد شده است یا احساس طرد دارد، افسردگی، کم شدن اعتماد به نفس و احساس بی‌هویتی است.

«هویت؛ معنایی در مقابل پرسش از چیستی یک شیء یا انسان است. در این تعریف، معنای این واژه، به مفهوم ماهیت بسیار نزدیک است. هویت در عرصه فردی هم کاربرد دارد، اما در عرصه اجتماعی، به طور خاص عنوان بحثی در مورد انسان اجتماعی است و می‌کوشد رفتارهای اجتماعی انسان را توضیح دهد. از این منظر، هویت اجتماعی وجه مشترک عامی است که در پاسخ‌های افراد یک جامعه یا جمع به پرسش از هویت و کیستی آن‌ها وجود دارد، به طور مثال، زمانی که از عده‌ای بپرسیم که شما چه یا که هستید، آن‌ها ویژگی‌های خود را به عنوان ویژگی‌های مشترکی که آن گروه را می‌سازد بیان می‌کنند و این هویت آن گروه است» (کجویان، ۱۳۹۰: ۱۸، ۱۷).

خانواده گی‌هون، خانواده کوچکی است که به علت فقر دچار طرد از اجتماع بزرگی شده است که در آن زندگی می‌کنند، آنها با وجود مشکلاتی که دارند هیچ امیدی به حمایت دولت ندارند، و در ناامیدی کامل، گی‌هون مسافر کشی می‌کند و مادر سالمند او نیز سخت کار می‌کند تا بتواند به گی‌هون که از محل کار خود اخراج شده است کمک کند و بدهی که به بانک و نزول خوار دارد را تسویه کند. آنها وابسته به هیچ ارگان دولتی نیستند تا شاید در صورت لزوم وام بلند مدت با اقساط کم دریافت کنند.



نمودار ۱- وضعیت گی‌هون (تنظیم: نگارنده)

گی‌هون مرد میانسالی است که ۴۷ سال سن دارد، او اصلاً از شرایط زندگی خود راضی نیست و به دنبال راهی برای بالا بردن درآمدش می‌گردد. گی‌هون این باور را ندارد که هر کس بیشتر کار کند، موفق‌تر خواهد بود و پول بیشتری به دست می‌آورد. او به دنبال راهی می‌گردد که یک شبه پول زیادی را به جیب بزند و به قول معروف یک شب بار خود را ببندد. او با وجود مشکلات زیادی که دارد امید خود را از دست نداده بود او به ستاره شانس و اقبالش ایمان داشت، با کسی در مورد رویاها و باورهایش حرفی نمی‌زد، چرا که کسی حرف‌های او را عقلائی و منطقی نمی‌دانست و شروع به سرزنش کردن او می‌کرد همان‌طور که در سریال مشاهده کردید مادر گی‌هون بارها او را به خاطر قمار سرزنش می‌کرد و او دوباره، در اولین فرصت از کمترین شانس خود استفاده می‌کرد برای پیروزی یا باخت صد در صد.

« فریود سعی دارد با تحلیل موارد گوناگون از کنش‌پیریشی ما را با عرصه ناخودآگاه روان آدمی آشنا سازد. منظور از کنش‌پیریشی همان اشتباهاتی است که خواه افراد روان رنجور و خواه افراد بهنجار و سالم در زندگی روزمره مرتکب می‌شوند. کنش‌پیریشی، رفتار اشتباه، لغزش کلامی، لغزش زبانی، اشتباهات لپی همه اینها عباراتی هستند که برای اشاره به پاراپراکسی‌ها به کار می‌روند» (امیریان دوست، شوری ۱۴۰۲: ۲۶).

گی‌هون دعوت به این زندگی شده بود تا طعم فقر و ناداری را به خوبی بچشد، درست مثل دعوت به بورس از طریق رسانه‌ها، کسانی که در بورس شرکت کردند به فکر یک شبه پولدار شدن بودند تا بدون کار سخت و زمان زیاد، به ثروت و آسایش برسند، بورس یک راه سریع و مدت زمان کوتاه؛ برای دست یافتن به ثروت بزرگ بود!

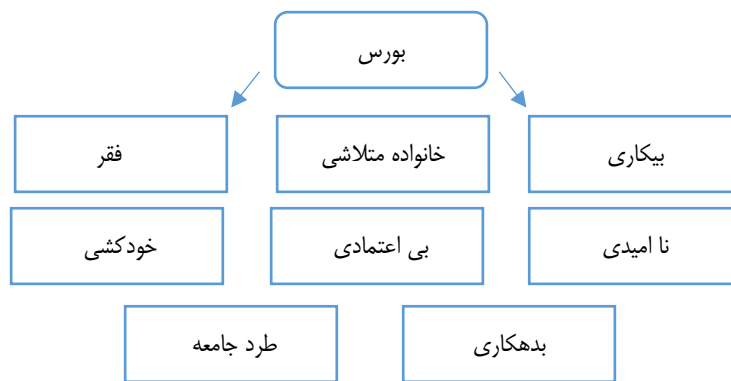
افرادی که در بورس شرکت کردند افرادی بودند که دوست داشتند ریسک کنند و نتایج عجیب و غریب را تجربه کنند یا هیچی یا همه چی! شما باید استراتژی‌های مناسب را برای خرید و فروش در زمان مناسب انتخاب کنید.

وقتی گروه کوچکی از خریداران شروع به خریدن سهمی می‌کنند، درست در همان زمان رسانه‌ها تبلیغات بورس را افزایش می‌دهند و تعداد افراد زیادی را دعوت می‌کنند تا در بورس سرمایه‌گذاری کنند!!

قیمت آن سهم افزایش می‌یابد و همین افزایش قیمت توجه افراد بیشتری را به خود جلب می‌کند. در نتیجه هر روز افراد بیشتر و بیشتری خواهان خرید آن سهم می‌شوند، تا با گران شدن سهم‌شان سود بیشتری به جیب بزنند و قافل از اینکه ناگهان بورس یک شبه سقوط می‌کند و همه شرکت‌کنندگان را به خاک سپاه می‌نشانند!

فرد روستایی که به امید افزایش سرمایه دام خود را به فروش رسانده جوانی که زمین پدری که تنها سرمایه اش بوده فروخته، یا کسی که آپارتمان خود را فروخته تا به امید سود بیشتر شاید بتواند خانه بزرگتری بخرد با سقوط بورس یک شبه؛ حداقل‌های زندگی خود را نیز با تشویق رسانه و دولت از دست داده است ...

آیا رسانه در مورد ترقیب و تشویق مردم برای خرید بورس پاسخ گو بود؟ آیا مشاوران اقتصادی که دعوت شده بودن به رسانه پاسخ گو بودند؟ یا به سرعت سقوط یک شبه بورس، پرونده آنها هم یک شبه بسته شد!!



نمودار ۲- وضعیت بورس (تنظیم نگارنده)

بعد از سقوط بورس آسیب‌های روحی و روانی بسیاری بر مردم وارد شد، خیلی از افراد که در بورس سرمایه‌گذاری کرده بودند؛ برای اینکه مورد سرزنش اطرافیان واقع نشوند، از بیان واقعیت و از دست دادن سرمایه خود در بورس خود داری کردند و از همه چیز مهمتر اینکه آنها بین زمین و آسمان به حال خودشان رها شده بودند و هیچ کس پاسخ‌گوی از دست رفتن سرمایه این افراد نبود!

«نیپیلیسم»: «اهداف والا خوار می‌شوند». این وهله‌ای ناپایدار و در خطر است، زیرا ارزش‌های والای دیگری، بی‌درنگ و پیش از آن که ارزش‌های پیشین از میان بروند، چیره خواهند شد؛ دیالکتیک تنها پوزیتیویته‌های پی‌آیند را به هم پیوند می‌دهد؛ و اختناق نهفته در بطن هر آنارشیسمی از همین جا است. نارسایی هر ارزش والایی را چه گونه می‌توان ثابت کرد؟ یا طنز؟ اما طنز همیشه از یک جایگاه مطمئن نشأت می‌گیرد. با خشونت؟ خشونت نیز خود ارزشی والا، و در زمره‌ی بهترین ارزش‌های اصولی است. با سرخوشی؟ آری، اما اگر گفتمانی و عقیدتی نشود. استوارترین نیپیلیسم‌ها چه بسا نقاب بر چهره دارد: نیپیلیسمی که از جهاتی در بطن نهادها، گفتمان همسان‌ساز، و غایات و قطعیت‌های آشکار جا گرفته است» (بارت، ۱۳۹۸: ۶۷).

با چالش‌های پیش آمده در زندگی احساس پوچی و تهی بودن به وجود خواهد آمد، این احساس به راحت‌ترین شکل ممکن کیفیت زندگی ما را کاهش می‌دهد و ما را با حجمی از احساسات ناخوشایند، تنهایی و افسردگی روبه‌رو می‌کند.

۲-۶- قشر بندی و نابرابری

نابرابری اجتماعی با نابرابری اقتصادی مرتبط است که معمولاً بر اساس توزیع نابرابر درآمد یا ثروت توصیف می‌شود، فقدان اشتغال کافی، توزیع نابرابر فرصت‌ها، انحصارها و امتیازهای اهدا شده به افراد خودی و شکاف‌های گسترده درآمدی؛ فاصله طبقاتی میان حلقه قدرت و ثروت را با طبقات میانی و فرودست جامعه عمیق و عمیق‌تر کرده است. آمیزش ثروت و قدرت و عدم شکل‌گیری عدالت و الگوی عادلانه در توزیع ثروت و قدرت منجر به شکاف طبقاتی شده است.

«شهر ترکیبی می‌شود از حومه‌های مرفه با مرکزی کهن، متروکه و مخروبه و حاشیه‌های بینوا مملو از مهاجران تازه به شهر رسیده، ترکیبی خودانگیخته و بدون برنامه و متأثر از گردش سوداگرانه کالا و سرمایه، پدیده شمال شهر، نماد تجدد و نورپردازی و جنوب شهر، نماد سنت و پایبندی به راه و رسم بومی و سرزمینی، رخ می‌نماید». (روانشادینیا، ۱۳۹۸: ۸۲).

شکاف طبقاتی به معنای استفاده از امکانات موجود است، گروهی که امکان استفاده از امکانات جامعه را داشته باشد در طبقات بالای اجتماع قرار دارد و آنهایی که دسترسی کمتری دارند در طبقات پایین جامعه قرار می‌گیرند.

در اکثر شهرهای جهان، مناطق مرفه شهر معمولاً «بالا شهر» و در عوض نقطه مقابل «پایین شهر» نامیده می‌شود. پایین شهر مکانی است که افراد کم درآمد زندگی می‌کنند و امرار معاش می‌کنند و این تفاوت ثروت علاوه بر تفاوت طبقاتی، تفاوت

فرهنگی را نیز ایجاد کرده است، خیابان‌ها و کوچه‌های بالای شهرها مهندسی شده، برنامه ریزی شده و مرتب ساخته می‌شوند و در نتیجه آسمان خراش‌های بلند و برج‌های تجاری معروف ساخته می‌شود.

و در پایین شهر خانه‌های فرسوده و قدیمی مشاهده می‌شود که عمرشان به پایان رسیده و نیاز به بازسازی و یا کوبیده شدن و ساخت مجدد دارند، در این مناطق پایین خبری از زرق و برق ساختمان‌ها و مغازه‌ها دیده نمی‌شود همه چیز ساده است، خیابان‌ها آسفالت نشده و خاکی است در اطراف خیابان، زباله‌ها غوطه‌ور هستند.

در فیلم بازی مرکب در سکانشی که گی‌هون برای برگرداندن دخترش به محله‌ای که همسر سابق‌اش در آن زندگی می‌کند وارد می‌شود، ساختمان‌های بلند و نوساز ساخته شده را مشاهده می‌کنید که زیبایی خاصی دارند، کوچه‌ها تمیز و مرتب، روشنایی مناسب خیابان‌ها در ساعات تاریکی هوا، ماشین‌های لوکس پارک شده کنار خیابان توجه شما را به خود جلب می‌کند، خبری از زباله‌های شهری نیست و همه چیز زیبا و دلنشین است.

دقیقاً بعد از این سکانس زمانی که گی‌هون خسته وارد محله قدیمی خود می‌شود به وضوح مشاهده می‌شود که ناگهان چهره شهر تغییر می‌کند، خانه‌ها قدیمی، مغازه‌ها و بازار خرید نیز فرسوده شده‌اند و جذابیتی برای خرید کردن در آنها دیده نمی‌شود، محله کثیف و تاریک است، آدم‌های معمولی در آن تردد می‌کنند، کوچه‌ها کثیف است و زباله‌ها در گوشه یک درخت بلند جمع شده است و پیدا شدن سر و کله گربه گرسنه برای خوردن غذا در بین زباله‌ها، بیانگر این موضوع است که خبری از نظافت و پاکیزگی در این محله نیست.

تفاوت فاحشی از دو محله را در دو سکانس از این فیلم به وضوح می‌بینید، نابرابری اجتماعی اختلاف طبقاتی به حدی رسیده است که یک محله با محله دیگر می‌تواند زمین تا آسمان تفاوت داشته باشد و لازم نیست فاصله این دو محله چندان هم از یکدیگر دور باشد. تنها چیزی که در این دو سکانس مشترک بود بارش باران بود، باران مساوی می‌بارید و گرد و غبارهای موجود را با تمام توان خود می‌شست تا چهره شهر پاکیزه باشد؛ بدون هیچ چشم‌داشتی.

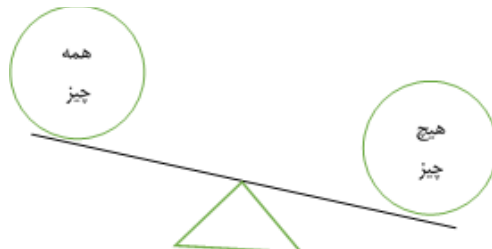
برابری ضرورتی اجتماعی و نیازی روانشناختی است بی‌عدالتی می‌تواند موجبات صدمات روانشناختی و آسیب‌های اجتماعی باشد این بدان معناست که تلاش برای توسعه عدالت علاوه بر اینکه ضرورت و نیازی روانشناختی است می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مورد توجه باشد.

توزیع نابرابر امکانات در جوامع دردناک است، گاهی در جامعه‌ای زندگی می‌کنید که امکانات زیادی در آن وجود دارد ولی شما اجازه استفاده از این امکانات را نخواهید داشت، این امکانات می‌تواند تفریحی و یا درمانی باشد، گاهی می‌شود؛ از امکانات تفریحی چشم‌پوشی کرد و اجازه داد شهروندان درجه یک و درجه دو از آن استفاده کنند، اما زمانی که بیمار هستید و درد، سراسر بدن شما را فرا گرفته است، شما نیازمند درمان هستید و دولت موظف است در اولین مرکز درمانی به شما خدمات خوبی را ارائه کند ولی متأسفانه شما اگر اجازه ورود به این مراکز درمانی را نیز داشته باشید توان پرداخت هزینه این مراکز درمانی را نخواهید داشت! در سکانشی از فیلم مشاهده می‌کنید که بعد از رأی‌گیری مجدد و انصراف از مسابقه، گی‌هون به خانه باز می‌گردد و متوجه می‌شود که مادرش در منزل نیست، بعد از ساعاتی از بیمارستان مجبزی که در شهر گی‌هون واقع شده است با او تماس گرفته می‌شود و به او اطلاع می‌دهند که مادرش در بیمارستان بستری است.

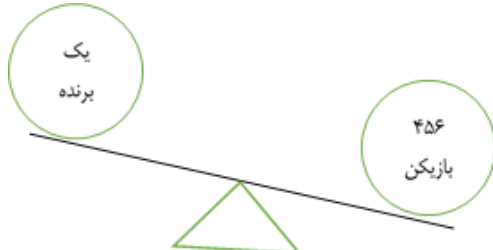
بعد از مراجعه به بیمارستان، گی‌هون متوجه می‌شود که پای مادرش بر اثر دیابت و عدم مصرف دارو عفونت کرده و باید قطع عضو شود، گی‌هون از شنیدن این خبر به هم می‌ریزد؛ خبر بدی است شاید خبری بدتر از فوت عزیز، باشد!

قطع عضو بر اثر دیابت، عوارض روحی و روانی بسیاری برای بیمار، خانواده بیمار و اطرافیان نزدیک بیمار در پی خواهد داشت. در این شرایط بیمار راضی به مرگ و پایان زندگی خود می‌شود ولی برای او قطع یکی از اعضای بدن قابل پذیرش نخواهد بود، گاهی مرور و یادآوری خاطرات تلخ شما را آزار خواهد داد ولی برخی اوقات ناخواسته در ذهن شما تداعی خواهد شد

زمانی که بعد از دوندگی بسیار موفق به دریافت نوبت از بیمارستان میلاد شدم، بعد از تشکیل پرونده به بخش انتقال داده شدم، وارد اتاقی شدم که شش تخت داشت، بیماران این تخت‌ها از من قدیمی‌تر بودند و چند روزی از بستری آنها گذشته بود روبه‌روی تخت من خانم جوان چهل و پنج ساله‌ای بستری شده بود، حدود چند ساعتی که در اتاق بودم زمزمه‌هایی از هم‌تختی‌های او شنیده می‌شد که قرار است پای او را قطع کنند ولی قطعیتی در آن هنوز وجود نداشت فضای اتاق سنگین بود، سکوت سنگینی سراسر اتاق را فرا گرفته، روز بعد حدود ساعت یازده شب بود که آقای دکتر بعد از آخرین عمل، بالا آمد و بر سر تخت بیمار حاضر شد وقتی پانسمان پای این خانم باز شد با این که من تخصصی در این رشته ندارم متوجه شدم دیگر عمر این پا



تصویر ۱- عدم برابری (تنظیم: نگارنده)



تصویر ۲- مسابقه (تنظیم: نگارنده)

تمام شده و باید قطع شود، درست شبی که استرس زیادی برای رفتن به اتاق عمل رو باید تحمل می‌کردم این موضوع نیز به آن اضافه شد، پزشک نظر قطعی خود را اعلام کرد و در صورت رضایت بیمار راضی شد با وجود پایان ساعت کاری خود به اتاق عمل برود و بدون هیچ اتلاف وقتی پای او را قطع کند، (پزشکان ضامن سلامت جامعه، امنیت روحی بیماران و فرشتگان نجاتی هستند که درد جسم را با روح بلندشان در سایه لطف الهی التیام می‌بخشند، در پناه الطاف الهی موفق و پیروز باشید) این خبر بد همه بیماران داخل اتاق را تحت تاثیر قرار داد، در آن موقع شب در بیمارستان مشاور روانشناسی وجود نداشت تا بیمار را آرام کند، حال روحی بیمار وخیم شد رنگ صورت بیمار، خیلی سریع برگشت اگر اغراق نکرده باشم روح از جسم او در حال خارج شدن بود صورت او سفیدتر از کچ شده بود مثل یک مرده، صدای نفس کشیدن بیمار بلندتر شده بود همه سعی می‌کردیم او را راضی کنیم تا رضایت خود را اعلام کند و برای قطع پای خود آماده شود، درخواست خیلی سختی بود ولی همه‌ی ما یک هدف داشتیم و آن نجات جان بیمار بود، آن هم به هر قیمتی، فضای اتاق سنگین شده بود، خواهر بیمار در فکر زنگ زدن به برادر بزرگشان بود تا شاید بیمار از او حرف شنوی داشته باشد و رضایت بدهد. شرایط خوبی نبود دوست داشتم اتاق را ترک کنم و این صحنه‌های آمیخته با درد را نبینم، خلاصه بعد از کلی نصایح و سخنرانی‌های برادر، بیمار حدود ساعت سه رضایت نامه عمل را امضا کرد، لبان خشک شده بیمار، صدای خس خس سینه بیمار و صدای نفس کشیدن او طوری بود که گویی لحظات پایانی عمر خود را سپری می‌کرد.

در این شرایط بیمار ترجیح می‌دهد تا بمیرد ولی پای خود را از دست ندهد.

شرایط اقتصادی مادر گی‌هون، باعث شده است که اولویت زندگی او تغییر کند، شرایط به قدری سخت و دشوار شده است که او تمام توان خود را برای پرداخت هزینه‌های زندگی گذاشته است و سلامتی دیگر اهمیتی برای او ندارد. مادر گی‌هون از بیمارستان خارج می‌شود و از ادامه درمان منصرف می‌شود، گی‌هون پشت سر مادر خارج می‌شود از اینکه مادر از ادامه درمان منصرف شده تعجب می‌کند، گی‌هون علت خروج مادر را می‌پرسد، مادر که شرایط روحی مناسبی ندارد و از ناپدید شدن گی‌هون به صورت ناگهانی، عصبانی است کمی صدای خود را به عنوان اعتراض بالا می‌برد و یادآوری می‌کند که «اجاره خانه چه می‌شود؟ خرج بستری شدن و خرج داروها چه می‌شود؟»

گی‌هون که بسیار ناراحت است می‌گوید: «خوب، بیمه! بیمه پرداخت می‌کنه»

و مادر در پاسخ به او می‌گوید: کدام بیمه؟! «تو همش را قطع کردی و تمام پول‌ها رو خرج کردی».

گی‌هون سعی می‌کند هزینه درمان مادر را تهیه کند ولی کسی حاضر نیست به او قرض دهد دوستان گی‌هون هم در شرایط اقتصادی بدی به سر می‌برند، او تصمیم می‌گیرد از همسر سابق خود قرض بگیرد ولی او نیز این مبلغ پول را ندارد و باید از همسرش درخواست کند؛ همسر او با شرط رفتن همیشه گی‌هون تصمیم می‌گیرد این پول را به گی‌هون پرداخت کند ولی گی‌هون با شنیدن این شرط عصبانی می‌شود و پول را به سمت او پرتاب می‌کند و این شرط را نمی‌پذیرد.

«خورشید، تازه سر از بستر آبهای سبز دریا برداشته و اشعه زرقام خود را بر چهره‌های خواب‌آلوده سرنشینان کشتی تابانده است سرنشینانی که به تازگی از خواب دوشین بیدار شده‌اند و با خیال راحت و بی‌خبر از همه جا به خوردن و آشامیدن و انواع سرگرمیها پرداخته‌اند و کشتی همچنان در اقیانوس کران ناپدید پیش می‌رود.

در این میان یک نفر که هوشیارتر بنظر می‌رسد اندکی به فکر فرو می‌رود و آنگاه رو به هم‌نشینان کرده می‌پرسد: «ما به کجا می‌رویم؟» دیگری که گویی از خواب پریده است حیرت‌زده همین سؤال را از دیگران می‌کند و ... بعضی آنچنان سر مست شادی و سرگرمی هستند که وقتی به آن نمی‌نهند و بدون اینکه به پاسخ آن بیندیشند به کار خود ادامه می‌دهند، ولی این سؤال، اندک اندک گسترش می‌یابد و به ملوانان و ناخدا هم می‌رسد، آنها هم بدون اینکه پاسخی داشته باشند سؤال را تکرار می‌کنند و سرانجام علامت سؤالی بر فضای کشتی، نقش می‌بندد و دلهره عجیب و پریشانی فراگیری پدید می‌آید...» (مصباح بزدی، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

حکومت به عنوان یک نهاد اجتماعی و سیاسی، نقش اساسی در سازماندهی و اداره جامعه دارد. این نهاد مسئولیت‌هایی نظیر حفظ نظم و امنیت، ارائه خدمات عمومی، قانون‌گذاری و اجرای قوانین را برعهده دارد، اهمیت حکومت در تأمین ساختار و پایداری جامعه به قدری است که بدون آن، هرج و مرج و بی‌نظمی فراگیر خواهد شد.

۶-۳- حکومت و سیاست

حکومت به مجموعه‌ای از نهادها و افراد اطلاق می‌شود که قدرت و اختیار لازم برای مدیریت و اداره یک کشور یا جامعه را دارند. این نهادها و افراد، با استفاده از قوانین و مقررات موجود، وظیفه دارند تا نیازها و خواسته‌های مردم را برآورده سازند. وظایف حکومت شامل تدوین و اجرای قوانین، تأمین امنیت، ارائه خدمات عمومی، مدیریت اقتصادی و حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان است.

«روزنگر می‌گوید: مسائل و مشکلات و نیازها را نباید با هم اشتباه گرفت، اهمیت مسائل برای افراد مختلف، متفاوت است که این در چگونگی حل مسائل تأثیر می‌گذارد، مسائل خاص و راه‌حل‌های آنها ممکن است در فرد انگیزه عمل ایجاد کند، جداسازی مسأله و نیاز از انگیزه دشوار است. از یک سو انگیزه‌ها ممکن است به سمت طیف وسیعی اهداف مطلوب یا حل مسأله هدایت شوند و از سوی دیگر جستجو برای یافتن راه‌حل‌های اجتماعی، به ایجاد انگیزه‌ها منجر می‌شود. برخی از انگیزه‌ها هم در نهایت به استفاده از رسانه‌ها منتهی می‌شود» (باشعور لشگری، ۱۳۹۵: ۷۲).

سیاست، شناخت، اتخاذ تصمیم تخصصی، پیاده سازی بهترین راه و روش برای منافع فردی یا گروهی در برابر چالش‌های احتمالی یا پیشرو است. در این میان معمولاً حکومت‌ها، عامل سیاست ورزی و موضوع عمل گروه‌ها، افراد و بخش‌های مختلف جمعیت هستند، سیاست در معنای عام هر گونه راهبرد و روش و مشی برای اداره یا بهتر کردن امور است، اموری که مربوط به دولت باشد. کوشش برای نگهداری یا به دست آوردن قدرت یا در جهت هدف‌ها و درخواست‌های گوناگون، سیاست ابزاری برای حل اختلاف‌ها و درگیری‌های موجود در جامعه است.

«وقتی صدای شلیک را می‌شنیدند و یا پرچم سبز را بالای دکل در حال اهتزاز می‌دیدند وجودشان مالا مال از غرور می‌شد و رشته سخن همیشه به روزهای پر افتخار گذشته، اخراج جونز، صدور هفت فرمان و جنگ‌های بزرگی که به شکست بشر مهاجم منجر شده بود کشیده می‌شد. هنوز خواب و خیالهای ایام گذشته را در سر می‌پروراندند. هنوز حیوانات به گفته‌های میجر، به رفتن بشر و جمهوری مزارع سبز انگلستان، ایمان داشتند. روزی این اتفاق خواهد افتاد: شاید آن روز در آتیه نزدیکی نباشد، شاید در خلال زندگی هیچیک از حیوانات زنده کنونی نباشد، ولی، آن روز می‌رسد. هنوز آهنگ سرود «حیوانات انگلیس» در گوشه و کنار مخفیانه زمزمه می‌شد. هر چند جرأت نداشتند آن را بلند بخوانند ولی تمام حیوانات آن سرود را می‌دانستند» (آرول، ۱۳۵۵:۱۴۸).

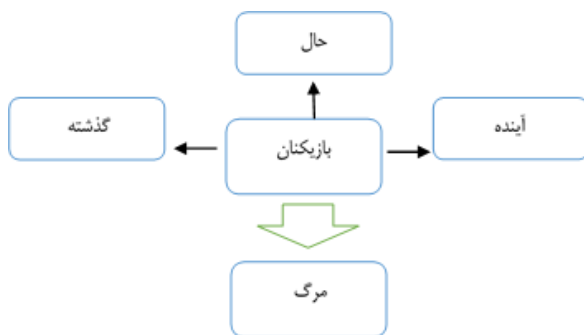
دروغ گفتن بخشی از سیاست است، گویی جدا شدن دروغ از سیاست امکان پذیر نیست و نخواهد بود، واضح بگوییم که سیاست بدون دروغ به اهداف خود نخواهد رسید، دروغ هر چه بزرگتر باشد گاهی پذیرفتنی تر خواهد بود، سرودی که روزی با صدای بلند خوانده می‌شد تا اتفاقات بزرگی رقم بخورد امروز در گوشه و کنار مخفیانه زمزمه می‌شود؛ زیرا که هدف واقعی، چیزی جز به قدرت رسیدن نبوده است، هدف رسیدن به منافع و مقاصد شخصی با توجه به اختیارات و امکانات حاصل شده است. سیاست می‌تواند دو رو داشته باشد یک روی خوب و یک روی بد، قرا نیست شما بدانید و یا مطلع شوید که سیاست هم روی بد دارد و هم روی خوب، سیاست، سیاست است دیگر، فقط روی خوب آن قابل لمس و دیدن است و زمانی که شما متوجه روی دیگرش شوید ممکن است خطرات زیادی برای دولت، حکومت، کشور داشته باشید.

عدم امنیت

اگر تو از آن سگی که به درک رفت بهتر حکومت نکنی ترا به سخت‌ترین شکنجه به قتل خواهیم رسانید.
امنیت قضایی-اقتصادی-سیاسی-اجتماعی، یا به عبارت دیگر حاکمیت نظم و قانون، موجب امید به آینده و در نتیجه موجب رشد فعالیت، تلاش و خلاقیت انسان می‌گردد» (رضا قلی، ۱۳۸۱:۳۸).

در سریال بازی مرکب حکومت بی‌تفاوت، در کنار اتفاقات رخ داده قرار گرفته است، قانون کاملاً از اتفاقات رخ داده شده اظهار بی‌اطلاعی می‌کند هیچ نشانی از کشتار و جرم اتفاق افتاده وجود ندارد.

بدانید که انسان موجودی مادی است و نیاز به هوا، آب، غذا، مسکن و پوشاک دارد و فقط با معنویات زنده نخواهد ماند اگر این شکافها ترمیم نشود و بی‌عدالتی ادامه پیدا کند، عریان تر و خشن تر شود، چشم اندازی برای انسان باقی نمی‌گذارد و امید اجتماعی را از بین می‌برد.
گاهی حکومت برای حفظ منافع و موقعیت خود به راحتی آب خوردن دروغ می‌گوید و برای انحراف افکار عمومی واقعیت‌ها را کتمان می‌کند، غافل از اینکه طبیعت دروغ، قابلیت کتمان ابدی را ندارد و در دنیای تکنولوژی، بالاخره آشکار می‌شود.



نمودار ۳- وضعیت بازیکنان (تنظیم: نگارنده)

سریال بازی مرکب، روایتگر افرادی است که به دلایل مختلف در زندگی شکست خورده‌اند و دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند گذشته، حال و آینده برای آنها باقی نمانده است، در این شرایط ممکن است فرد به خود نیز صدمه بزند و دیگر چیزی برایشان مهم نباشد، مانند شرکت در مسابقه مرگبار، برهنه شدن زن جوانی بی‌مه‌با در معابر عمومی یا افزایش خودکشی جوانان به نوعی بیانگر اعتراض به وضع موجود خواهد بود.

«جامعه تک صدا، ساخت رسانه‌ای نحیف و ضعیفی دارد چرا که رسانه‌ها انحصاری‌اند و با نادیده گرفتن کارشناسان و مردم، سنت حقوقی، روابط کاری و نظام ارتباطات آنها بسیار ابتدایی می‌ماند. اما در ساخت رسانه‌های چند صدایی که مبتنی بر تشکلهای جامعه مدنی باشد، سنت حقوقی، روابط کاری و نظام ارتباطات از همین واقعیتها در آن تشکلهای تغذیه شده و رشد بیشتری پیدا می‌کند. به همین دلیل یکی از شاخصهای جامعه مدنی را می‌توان چند صدا بودن رسانه‌هایش دانست. در جامعه‌ای که گروهی از افراد مجبورند آراء خود را در خارج از آن منتشر سازند، گروهی در صف مجوز بگیران مطبوعات و کتاب بایستند، رادیو و تلویزیون انحصاری باشد و شایعات سریع‌تر از اخبار رسانه‌ها منتشر شوند، جامعه مدنی بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود» (محمدی، ۱۳۷۶:۵۳).

۷- نتیجه‌گیری

فیلم بازی مرکب با نویسندگی قدرتمند هوانگ دونگ-هیوگ، مخاطب را قدم به قدم با خود همراه ساخته طوری که گاهی خود را یکی از کارکنان شرکت در مسابقه «چراغ سبز، چراغ قرمز» تلاشی بیهوده برای زنده ماندن است، با دیدن این صحنه لحظه‌ای ترس و ناباوری تمام وجودتان را فرا می‌گیرد و این حجم بی‌عدالتی غیر قابل فهم به نظر می‌آید، به نوعی نقض قوانین بین‌المللی (هدف قرار دادن و کشتن عمدی مردم بی‌گناه) از جمله جنایات علیه بشریت است. این جنایت گاهی از سوی کشور دوست یا همسایه اتفاق خواهد افتاد و گاهی توسط خود سردمداران حکومتی که در رأس کار قرار گرفته‌اند، اتفاق خواهد افتاد که این مسئله درد آورتر و غیر قابل تحمل خواهد بود. درک و قبول خشونت و تند روی از سوی دشمن، قابل قبول است و در این زمان مردم راهی جز دفاع، و حفظ وطن ندارند ولی زمانی که این توطئه‌ها (کشته شدن جوانان با عناوین مختلف، ایجاد ترس، وحشت و دشمن فرضی) توسط سردمداران حکومت صورت گیرد، این حجم بی‌عدالتی از سوی حکومت، غیر قابل قبول و تصور است! اگر که پای فرار بسته نباشد بی‌شک فرار و رفتن بهترین گزینه خواهد بود.

گاهی نیز کارگردان با زیرکی تمام تلنگری به مخاطب می‌زند و در طول مسابقه حد و مرزهای اخلاقی را که شرکت‌کنندگان باید به آن پایبند باشند، ولی برای نجات جان خود این حد و مرزها نادیده گرفته می‌شوند را گوشزد می‌کند. این فیلم اکشن و درام به گونه‌ای جامعه خود را به نقد می‌کشد و مشکلات جامعه خود را (شکاف طبقاتی، فقر، بی‌عدالتی، فساد مالی) به دور از هر نوع ترسی روی صحنه نمایش می‌برد، که نشان دهنده توسعه دموکراسی در این جامعه است. تعریف خودکشی در جوامع مختلف متفاوت خواهد بود، واضح و مبرهن است که مشکلات اقتصادی و فقر یکی از دلایل اقدام به خودکشی است، در فرهنگ ژاپن خودکشی خودآگاهانه و ناشی از اراده‌ای راسخ شناخته شده است، خودکشی آگاهانه از روی اجبار نیازمندی اراده راسخ خواهد بود. با بررسی این فیلم از منظر جامعه‌شناسی گیدنز به بررسی جامعه با طرح مطالبی در باب فقر، نابرابری اجتماعی، اقتصادی، وظایف حکومت در اجرای قوانین و حفظ حقوق شهروندان پرداخته شد و به گونه‌ای به سیاست و حکومت و به بیان حقایق سیاسی تلخ موجود در جوامع پرداخته شد.

منابع

۱. الام، کر، نشانه‌شناسی تئاتر و درام، ترجمه دکتر فرزانه سجودی، چاپ هشتم، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۲.
۲. اونژ، جیمز روز، تئاتر تجربی از استانیسلاوسکی تا پیتر بروک، ترجمه مصطفی اسلامی، چاپ سیزدهم، نشر سروش، تهران، ۱۳۹۹.
۳. آرول، جورج، قلعه حیوانات، ترجمه امیر امیرشاهی، چاپ سوم، نشر فرانکلین، تهران، ۱۳۵۵.
۴. باشعور لشگری، مریم، مخاطب‌شناسی، چاپ دوم، نشر ساکو، تهران، ۱۳۹۵.
۵. بارت، رولان، لذت متن، چاپ یازدهم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۸.
۶. رضا قلی، علی، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، چاپ بیستم، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱.
۷. فردریک، جرج ویلهلم، فلسفه تاریخ هگل، ترجمه‌ی مسعود تقی زاده منطری، ۱۳۹۰.
۸. کرمنت، خاویر، بیشعورهای ضد گلوله، نشر درنا قلم، تهران، ۱۳۹۵.
۹. کجویان، حسین، هویت ما، چاپ سوم، نشر معارف، قم، ۱۳۹۰.
۱۰. گنجی، حمزه، روان‌شناسی عمومی، چاپ شصت و هفتم، نشر ساوالان، تهران، ۱۳۹۳.
۱۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، نشر غزال، تهران، ۱۳۸۷.
۱۲. لابن، ژان، جامعه‌شناسی فقر، ترجمه جمشید بهنام، نشر چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۵۹.
۱۳. مارکس، کارل، سرمایه (کاپیتال)، ترجمه ایرج اسکندری، چاپ چهارم، نشر کارگری سوسیالیستی، تهران، ۱۳۵۲.
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، چاپ چهارم، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
۱۵. مطهری، مرتضی، شرح منظومه، چاپ ششم، نشر صدرا، تهران، ۱۳۷۸.
۱۶. محمدی، مجید، جامعه مدنی به منزله روش، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۶.
۱۷. هریس، تامس، ماندن در وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، چاپ بیست و پنجم، نشر نو، تهران، ۱۳۹۵.
۱۸. راودراد، اعظم، فرشلاف، ساحل « مرگ و جامعه: تحلیل آثار بهمن فرمان‌آرا از منظر جامعه‌شناسی سینمایی»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۳۸۷، شماره ۱۲، ص ۳۵.
۱۹. روانشادنی، سمیه «شهر تهران در آثار سینمایی دهه ۴۰ از منظر جامعه‌شناسی سینما با تأکید بر فیلم خشت و آینه»، مقاله نشریه: هویت شهر، سال ۱۳۹۸، شماره ۳۹، ص ۸۲.
۲۰. امیریان دوست، شاهرخ، شوری بریس، رقیه «علل و عوامل انحطاط اخلاقی شخصیت استاد تاران، عطف بر رویکرد روانکاوانه فروید»، ماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال ۱۴۰۲، شماره ۲، ص ۲۶.

21. Daugherty.Eastin, Bright (2008). Exploring consumer motivations for creating user-generated content. journal of Interactive Advertising, Vol 8 No 2, pp.16-25.